

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه ۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بانضمام متن قوانین

یک شنبه ۲۵ مهر ماه ۱۳۱۶

شماره مسلسل - ۷۹۸

چاپخانه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲۵ مهر ماه ۱۳۱۶ *

فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات آقای صفوی و جواب آقای وزیر داخله
- ۳ - شور اول خبر کمیسیون راجع به تشکیلات مرکزی وزارت داخله
- ۴ - شور اول خبر کمیسیون راجع به تقسیمات کشور و وظائف حکام
- ۵ - معرفی آقای محمد علی مجد بسمت معاونت وزارت صناعت
- ۶ - بقیه شور اول خبر کمیسیون داخله راجع به تقسیمات کشوری تاماده ۱۴
- ۷ - تقدیم لایحه اصول محاکمات حقوقی از طرف آقای وزیر عدلیه
- ۸ - بقیه شور اول لایحه تقسیمات کشور از ماده ۱۷
- ۹ - بیانات آقای رئیس در تعقیب اظهارات آقای صفوی
- ۱۰ - تصویب یک فقره مرخصی
- ۱۱ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت پیش از ظهر پریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس سه شنبه بیستم مهر ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند *

خواندن این یاوه سرائی ها و مهملات فارغ هستیم ولسی بوسیله مسافرینی که از خارجه می آیند و آن جراثید و محملات را خواننده و نقل میکنند مطالبی که سراسر دروغ و اراجیف است می شنویم که تحمل آنها برای بنده و همکارهای بنده و هر فرد ایرانی بسیار دشوار و شنیدن آن سخنان یاوه تلخ و ناگوار است (صحیح است) آنچه نقل میکنند و فهمیده شده تصور می رود این نوشتجات اثر قلم همان افراد خارجی باشد که باین کشور مسافرت کرده و با کمال آسایش زیسته و همه قسم استفاده نموده و در مراجعت هم مغرضانه و

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر)

صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - بیانات آقای صفوی و جواب آقای وزیر داخله]

رئیس - آقای صفوی .

صفوی - از قراری که مطلع شده ایم بعضی جراثید و محملات خارجه حملات مغرضانه بر علیه کشور ما و بر علیه شئون اجتماعی و حیثیت ملی ما آغاز نموده و مینمایند که این نگارشات غرض آلود در مرز بایگانی میشود و ما از

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح نهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : نیک پور - دهستانی

غائبین بی اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - دبیر سهرابی - صدر - فتوحی - مشار - نقابت - دکتر ادهم - وکیلی - عباس مسعودی

اعظم زنگنه - قراگربلو - هدایت .

دیز آمدگان بی اجازه - آقایان : منصف - مهدوی - دکتر جوان - افخمی

بیشرمانه بجای حق شناسی و در عوض بیان حقیقت متأسفانه منحصر بقصد استفاده های نامشروع مطالب خلاف واقعی را منتشر میکنند که جرایم و مجلات خارجی هم از آن ها اقتباس مینمایند (نمایندگان - صحیح است) اگرچه دولت باین قبیل انتشارات واقعی نمیکندارد و اهمیت نمیدهد ولی وظیفه نامه نگاری ما این است که جواب هر مفسد مغرض یاوه گوئی که پارا از حدود ادب و نزاکت فراتر نهاده و در خارج از ایران بمنظور استفاده خودش بر علیه ما قلم فرسائی و میدان داری مینماید بدهیم (صحیح است) چرا نویسندگان جرائد ایران باید اخلاقاً پابست بحفظ نزاکت بوده و جهات اخلاقی را رعایت نمایند و حال آنکه آن ها از نوشتن مطالب بر خلاف واقع و مغرضانه خود داری ندارند؟! مطبوعات ایران هم باید وظیفه ملی و وجدانی خود را ادا نمایند.

بنده تقاضا میکنم اولیای دولت و وزارت داخله به مطالبی که عرض کردم توجه فرمایند و موانع را مرتفع سازند که این قبیل نشریات بما برسد تا من و همکاران مطبوعاتی من که در این منظور البته با من شرکت دارند پاسخ این یاوه گوئیها را بدهیم و نگذاریم سکوت ما موجب قوت بیشرمی و وجدان کشی بشود (صحیح است) و خارجیهها بفهمند که هم میهنان آنها در برابر استفاده هائی که از کشور ما برده اند چگونه حق شناسی کرده اند؟! مردم ایران هم این قبیل خارجیهها را بشناسند و از محبت ها و مهربانیهائی که تا بحال بآنها مینموده اند خود داری کرده و با آنها همان طور معامله کنند که در خور اخلاق و رفتارشان است (نمایندگان - صحیح است)

وزیر داخله - البته خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است که در این سالهای آخر کارهای وزارت داخله را بیشتر معاونین آن وزارتخانه اداره میکرده اند و شاید باین قسمتها توجه زیادی نداشته اند مدت انتصاب بنده هم بوزارت داخله قلیل است و هنوز نتوانسته ام وارد این جزئیات شوم (صحیح است) و با وجود اینکه تصور نمیکنم در مرز جرائد

خارجی بایگانی شود معذک مذاکرات آقای صفوی را یادداشت و در اطراف آن بررسی میکنم و اگر موانعی در کار باشد البته مرتفع خواهد شد.

[۳ - شور اول خبر کمیسیون راجع به تشکیلات مرکزی وزارت داخله]

رئیس - شور اول خبر کمیسیون داخله راجع به تشکیلات مرکزی وزارت داخله.

خبر از کمیسیون داخله به مجلس شورای ملی کمیسیون داخله لایحه نمره ۱۸۶۱ دولت راجع به تشکیلات مرکزی وزارت داخله را با حضور آقای وزیر داخله تحت مطالعه و شور قرار داده و با توضیحاتی که آقای وزیر داخله در اطراف لایحه نام برده داده اند با اصلاحاتی ماده واحده زیر تنظیم و اینک گزارش آن برای شور اول بعرض میرسد: ماده واحده - وزارت داخله علاوه از اداراتی که طبق قوانین و مقررات مخصوص جزء وزارت داخله است از چهار اداره زیر تشکیل میشود:

دفتر وزارتی و رمز	۱ - اداره مرکزی
کارگزینی	
حساب داری	
جلب سیاحان	
انتخابات	۲ - اداره بازرسی
بایگانی	
فنی	
مالی	
اداری	۳ - اداره امور شهر داریها
امور فنی	
بودجه و حسابداری	
امور شهرها	
خواربار	۴ - اداره امور کشور
اسکان و عمران	
تابعیت و آمار	
انتظامات	
امور سیاسی	
و سایر امور مربوطه بوزارت داخله	

تبصره - وظایف ادارات نام برده بموجب نظامنامه مصوب هیئت وزراء تعیین خواهد شد.

رئیس - ماده واحده مطرح است. آقای مژدهی

مژدهی (غیر کمیسیون داخله) - امور فنی راجع به اداره بازرسی قرائت فرمودند در جزء اداره امور شهر داریها است.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده عقیده ام اینست همان چهار اداره که اسم برده شده کافی است و تقسیمات جزئی دیگر تصویب مجلس لازم ندارد برای اینکه دستشان باز باشد که اگر اداره فنی را بخواهند جزء فلان اداره بگذارند لازم نباشد که با تصویب مجلس باشد همان چهار قسمت ذکر شود اداره مرکزی و اداره بازرسی و اداره امور شهر داریها و اداره امور کشور. و تقسیمات جزء بعهد خودشان باشد و در قسمت های داخلی هر تقسیماتی را میخواهند بدهند این نظر بنده است بعد یک نکته را میخواستم پرسیم اینجا دو اداره نوشته شده است یکی فنی و یکی امور فنی که دو اداره علیحده است این را خواستم توضیح بدهند که مقصود چه چیز است فنی و امور فنی دو چیز علیحده است؟

وزیر داخله - عرض کنم اینکه فرمودند فقط اسم چهار اداره برده شود و تقسیمات جزء از نظر اینکه دست وزارت داخله باز باشد ذکر نشود بنده عقیده دارم که باید قانون طوری نوشته شود که خود ما هم مقید باشیم (صحیح است) و هر وقت در نظر بود که تغییری در این تشکیلات داده شود بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود و باین مناسبت بنده تقاضا میکنم همینطور که پیشنهاد شده است تصویب شود گرچه برای ما ممکن است که مشکلاتی تولید کند ولی بهتر است که ما مقید باشیم قسمت دیگر که فرمودند که فنی و امور فنی مکرر شده اینطور نیست و همانطور که آقای غیر کمیسیون توضیح دادند این اشتباه در خواندن پیش آمد. اداره بازرسی تشکیل میشود از سه قسمت فنی و مالی و اداری و امور فنی جزء اداره امور شهر داریها است و آنرا هم البته تصدیق

میفرمائید که در قسمت مرکزی اداره شهر داریها بایستی وسائلی باشد که به پیشنهاد شهر داری های ولایات و نقشه هائی که میرسد بتواند رسیدگی کند و نظر بدهد این قسمت غیر از فنی است که جزء اداره بازرسی است.

رئیس - رای گرفته میشود بورود در شور دوم آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند). تصویب شد.

[۴ - شور اول خبر کمیسیون راجع بتقسیمات کشور و وظائف حکام]

رئیس - شور اول خبر کمیسیون داخله راجع بتقسیمات کشور و وظائف حکام:

گزارش کمیسیون

لایحه نمره ۱۸۶۵ دولت راجع به تقسیمات کشور و وظایف حکام که در کمیسیون سابق مطرح و گزارش آن برای شور اول تقدیم شده بود چون در مجلس مطرح نشده و موعد قانونی کمیسیون منقضی شده بود مجدداً در کمیسیون فعلی با حضور آقای وزیر داخله مورد شور واقع شده بالاخره مواد زیر تنظیم و اینک گزارش آن برای شور اول تقدیم میشود.

تقسیمات کشور و وظایف حکام و نایب الحکومه ها

- ماده ۱** - کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه بخش ناحیه و پنجاه ولایت تقسیم میشود هر ناحیه مرکب از چند ولایت و هر ولایت مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از چند بلوک و هر بلوک مرکب از چند قصبه و ده خواهد بود.
- ماده ۲** - نواحی کشور و ولایات تابعه آنها عبارتند از:
- ۱ - ناحیه شمال غرب که تشکیل میشود از ولایات:
 - ۱ - خوی
 - ۲ - رضائیه
 - ۳ - مهاباد
 - ۴ - تبریز
 - ۵ - اردبیل
 - ۶ - مراغه
 - ۲ - ناحیه غرب که تشکیل میشود از ولایات:

۱ - کردستان

۲ - گروس

۳ - گرمانشاهان

۴ - باوندپور

۵ - پشت گوه

۶ - لرستان

۷ - بروجرد

۸ - همدان

۹ - ملایر

۱۰ - خرمشهر و آبادان

۱۱ - خوزستان

۱۲ - کوه کیلویه

۳ - ناحیه شمال که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - گیلان

۲ - تنکابن

۳ - مازندران

۴ - گرگان

۵ - طهران

۶ - قزوین

۷ - قم و ساوه

۸ - گلستان

۹ - اصفهان

۱۰ - عراق

۱۱ - گلپایگان و محلات

۱۲ - نخسه

۱۳ - بجنورد

۱۴ - سمنان و دامغان

۱۵ - شاهرود

۴ - ناحیه جنوب که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - یزد

۲ - آباد

۳ - شیراز

۴ - اصطهبانات

۵ - جهرم

۶ - لنگه و لارستان

۷ - بوشهر

۸ - عباسی

۹ - کرمان

۱۰ - جیرفت

۵ - ناحیه شمال شرق که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - مشهد

۲ - قوچان

۳ - سبزوار

۴ - تربت حیدریه

۵ - قائنات

۶ - فردوس

۶ - ناحیه مکران

تبصره ۱ - وزارت داخله ولایات را با رعایت عده سکنه مساحت و وضعیات طبیعی به بخشهایی تقسیم و بعداً عده قطعی بخش ها را برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند

تبصره ۲ - وزارت داخله میتواند باتصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنرا تغییر دهد

ماده ۳ - هر ناحیه در تحت اداره یکفربازرس کل قرار داده میشود که در حدود مقررات این قانون بجا کام حوزه مأموریت خود دستور و تعلیمات میدهد و با وزارت داخله رابطه مستقیم دارد

تبصره - بازرس ها دارای مرکز ثابت نبوده در کلیه امور ولایات تابعه بازرسی کرده و مسئول جریان امور آنها هستند

رئیس - این لایحه چون مفصل است و آقایان هم قرائت کرده اند و ماده بساده هم خواننده خواهد شد اگر تصویب میفرمائید مذاکره در کلیات بشود بعد در قرائت مواد اگر فرمایشی هست بفرمائید (صحیح است) مذاکره در کلیات است. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - یکی از آمال هائی که همیشه مکرر صحبت میشد اصلاح وزارت داخله بود که مطابق ترقیاتی که در این عصر حاصل شده است در آنجا يك پیش بینی ها و قوانینی برای تکالیف وزارت داخله و حکام منظور نشده بود تاکنون. از این که آقای وزیر داخله موفق شدند

برای حکام وظائفی نوشته و برای کشور تجدید نظری در بخش هائی که بوده است میکنند و در حقیقت يك جنبشی بکار وزارت داخله و حکام میدهند اسباب خوشوقتی است و امیدوارم که موفق شوند. در عین حال چون این کار کار تازه ایست ممکن است اگر کمتر در اطرافش مشورت شود زود زود لازم شود که قوانینش اصلاح شود از اینجهت بنده تصور میکنم که آنچه نظریه در اطراف این لایحه است از مخالف و موافق ذکر شود. بنده این لایحه را که الان دیدم بنظم رسید که لایحه را که اول وزارت داخله تنظیم کرده بود با این لایحه فرق کرده است و آن منظوری که اول بود که کشور را به پنجاه ولایت تقسیم کرده بود و تمام ولایات هم از نور مرکز روشن میشود و استفاده میکنند حالا در این خبر کمیسیون فرق کرده است و تقریباً از آنصورت اول خارج شده است. فائده لایحه اول این بود که تمام مملکت بقسمتهای کوچکتری تقسیم میشد که حکام از مرکز دستور بگیرند و مردم هم مطالبشان را بمرکز مراجعه نمایند و در خبر کمیسیون این نظر از بین رفته اول چند ایالت بود و چند ولایت بود و حالا مطابق این خبر کمیسیون کشور بشش ناحیه تقسیم شده و هر ناحیه در تحت نظارت يك بازرس است و اطلاعات ولایات بآن بازرس ها داده میشود پس آن منظوری که در آن لایحه اولی بوده حالا از بین رفته و اگر سابق يك ولایاتی بود که مستقل بود و از مرکز دستور میگرفت مثل همدان و عراق و کرمانشاه آنها هم باید از بازرس دستور بگیرند و جاهای دیگر مثل آذربایجان و فارس و خراسان هم باید از بازرس دستور بگیرند از این جهت بود که خواستم عرض کنم و روشن بشود که این ترتیب فایده ندارد. يك موضوع دیگری است که آنها بنظر بنده بی اهمیت نیست زیرا که بعضی چیزها است که بيك اسمی موسوم شده مثلاً ما اسم برج ها را عوض کردیم و برجی نیست حل و ثور و جوزا از بین رفته ولی قانون استخدام مستخدمین خارجی همیشه بنام قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ معروف است موضوع اینکه مابجای ایالات گفتیم ناحیه بنظر بنده آنها فلسفه ندارد زیرا اگر از نقطه نظر لغت باشد که هیچکدامش فارسی نیست و اگر از نظر قانونی باشد در تمام

مواد قانون اساسی و متمم قانون اساسی همه جا اسم ایالت را دارد چرا ما آن اسم را برداریم و اسم ناحیه بگذاریم بنده چند تاش را یاد داشت کرده ام احتیاطاً. در ماده سوم متمم قانون اساسی عبارتش این است که حدود مملکت و ایالات و ولایات تغییر نمیکند مگر بموجب قانون اصل موضوعش از بین نرفته است در خبر کمیسیون همان چیز است و اسمش را عوض کرده اند و گذاشته اند ناحیه و بيك اسمی که از سی سال پیش باینطرف چندین دفعه در قانون اساسی تکرار شده با اسم ایالات و ولایات ما ولایتش را گذاشته ایم اما ایالتش را برداشته ایم بنظر بنده هیچ موجبی ندارد که این کار را بکنیم و بهتر این است که همان لفظ ایالت باقی باشد و بنویسیم که به شش ایالت و پنجاه ولایت تقسیم میشود و این تغییر اسم لزومی ندارد زیرا که ما در اینجا خودمان را مقید نکرده ایم که فلان کلمه را استعمال کنیم و فلان کلمه را استعمال نکنیم ولایت آنجا بوده است این جا هم هست ولی ایالت که در آنجا بوده است این جا اسمش را گذاشته ایم ناحیه در صورتیکه منظور و مقصود فرقی نمیکند و بهتر است که این را رعایت کنیم. در کلیاتش دیگر بنده عرضی ندارم مگر در مواد و اگر در مواد عرضی داشته باشم عرض میکنم و البته در آن ماده هم که راجع به متقاعد کردن مستخدمین است عرض دارم و در کلیات منظورم این است که با اصل لایحه و اصلاح وزارت داخله و تعیین تکلیف حکام با همه آنها موافقم فقط بيك اصلاحاتی بوده که عرض کردم بهتر این است در لایحه این اصلاحات بعمل آید.

رئیس - آقای عراقی.

عراقی - آقای وزیر داخله میخواهند صحبت کنند بعد از ایشان صحبت میکنم.

وزیر داخله - در لایحه اولی تصور میکنم در تبصره ماده اول ذکر شده بود که دولت میتواند با پیشنهاد وزارت داخله چند ولایت را تحت نظر يك بازرس کل قرار دهد بنا بر این با آن تبصره که آنجا ذکر شده بود روح قانون فعلی با آن قانون فرق نمیکند منتھی با همان توضیحی که در تشکیلات مرکزی وزارت داخله دادم این جا هم عرض میکنم ما خواستیم باز هم در این قسمت مطالب خیلی صریحتر و روشن تر باشد کاری که بعداً ما میخواستیم بکنیم امروز چون

تفصیص شد که لازم است اعلامیم و این کلمه را در همین لایحه کردیم و تطبیقاتی که دادیم بعضی آقایان میروند پس اسامی این قانون با قانون اولی تفاوتی ندارد منتهی در این قانون یک جزئیات بیشتری درش منظور شده که در آن لایحه قبلی نبوده است نسبت به آن قسمت اول که فرمودند که در قانون اول کشور به پنجاه قسمت تقسیم شده بود و مستقیماً با مرکز رابطه داشتند اولاً آن پنجاه قسمت بحال خودش باقی است و تغییری نکرده است و ولایات هم البته با مرکز رابطه دارند مرکز هم بانها دستور میدهد تفاوت مختصری که بین این اصلاح فعلی و لایحه که قبلاً تقدیم شده بود پیدا شده این است که ممکن بود این سوء تفاهم پیش بیاید که در هر امر جزئی ممکن است حکام به مرکز مراجعه نمایند مثل این که حالا میکنند و تقریباً اوقات ادارات مرکزی وزارت داخله را بکلی اشغال میکنند در صورتی که یک چیزهایی را میتوانند در خود محل حل کنند این است که در این قانون نوشته شده است که جزئیات و اموراتی که در دو وجه دوم اهمیت است به باورس مراجعه کنند که یک نفر شخص سیماری است و یک نفر از مأمورین عالی و تبه دولت خواهد بود که امور جزئی را حل میکنند و قسمت‌هایی که دستور مرکز لازم دارد که کلیات است یا فوریت دارد آن را نیز مرکز رجوع کند که طول نمی کشد و تأخیر نمی افتد و وزارت داخله هم بحال خواهد داشت که در یک کلیاتی نظر داشته باشد و وقت خودش را صرف یک کارهای جزئی نکرده باشد گمان میکنم خلاصه فرمایشات آقایان بود (دکتر طاهری - راجع به ناحیه و ایالت) البته تصدیق میکنم که اسامی جدیدی که الان ملاحظه میفرمایند اسامی نیستند که فارسی باشد و جزء لغاتی نیست که مال خود ما باشد و از خارج وارد شده و اجنبی است ولی با مراجعه که بفرهنگستان شده است تصور میکنم در شور دوم این قانون لغاتی که اصلاح فارسی باشد و مطابق با حیثیات و شؤون مملکت باشد و بیان همان اصطلاحاتی که در این قانون هست بکند بجای این لغات گذازده خواهد شد و البته آقایان هم نظرشان این است که لغات و

اصطلاحاتی گذازده شود که موافقت با شئون ملی و میهن داشته باشد (صحیح است)

رئیس - آقای عراقی .

عراقی - بنده در اینجا يك سؤالی دارم که خواستم از آقای وزیر پرسش کنم و بعد هم به بینم که مجلس خودش در این باب چه نظریه دارد و اگر این نظریه رفع اشکال بنده را بکند عریضی که دارم در مواد عرض خواهم کرد . در ماده ۳ متمم قانون اساسی مینویسد حدود مملکت ایران و ایالات و ویات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون در اینجا بنده خیال میکنم تبصره ۲ مخالفی با آن اصل دارد برای این که در تبصره ۲ ماده ۲ مینویسد که وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آن را تغییر دهد . نسبت به تقسیمات داخلی و مرکزش تهافتی با قانون اساسی ندارد ولی نسبت به حدود ولایات بنده تصور میکنم که حدود مملکت و ایالات و ولایات و بلوکات تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون این را اگر اینطور فرض کنیم که اجازه مجلس برای هیئت وزراء که این تغییر را میدهند این يك قانونی است بنده عرضی ندارم ولی اگر تصور نشود که این اجازه قانون است یک قدری اشکال دارد مگر این که مجلس این اجازه را که به هیئت وزراء میدهد فی الواقع در این قسمت تغییری را که وزارت داخله با تصویب هیئت وزراء میدهد مجلس جنبه و سمت قانونی برای آن معین کند و قائل شود .

مخبر - میفرمایند در قانون اساسی هست (مگر بموجب قانون) این جا هم اجازه از مجلس میگیرند مطابق این قانون و قانون میشود .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقایان مژده می فرمودند اجازه که مجلس میدهد قانون است بنده نظرم این نبود بنده عرض کردم این عنوانی را که میخواهد هیئت وزراء اقدام کنند آنرا باید مجلس يك سمت قانونی برایش قائل شود و يك تکلیفی مجلس برایش معین کند

رئیس - آقای اعتبار :

اعتبار - بنظر بنده اشکالی را که آقای عراقی فرمودند خودشان هم متوجه شدند که در آخر تینشان جواب فرمودند البته مجلس شورای ملی این وظیفه را که مال خودش است یعنی وضع قانون به هیئت وزراء اجازه میدهد که این تقسیماتی را که امروز مجلس رأی میدهد در صورت لزوم و در صورتیکه مقتضی بداند تغییراتی بدهد که این تقریباً شیه میشود به قانون آزمایش که مامکرر در مجلس گذرانیم برای وزارت عدلیه که قانون را آزمایش کنند و بموقع عمل بگذارند و پس از رفع نواقص به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند بنده اینطور تشخیص میکنم که این اجازه را که مجلس میدهد به هیئت وزراء البته این يك اجازه قطعی نیست یعنی که عمل هیئت وزراء قانون نیست بنده اینطور تصور میکنم که صرفاً از نظر آزمایش است و اختیاری است که به هیئت وزراء داده میشود که در ضمن عمل چنانچه عتاج يك اصلاحات و تغییراتی باشند این اجازه را داشته باشند که بعد از آنکه این تقسیمات کامل شد و در عمل نواقصش رفع شد ثانیاً برای تصویب قطعی به مجلس شورای ملی يك پیشنهاد تازه بکنند و تصور میکنم که بایستی اینطور باشد البته نظری را که آقای عراقی فرمودند وارد است و مشوب میکند ذهن را که ما وقتی تقسیمات را رأی میدهیم بعد ضمناً هم اجازه میدهیم که هیئت وزراء این تقسیمات را در موقع خودش تغییر بدهد آیا این اجازه يك اجازه قانونی خواهد بود و يك عمل قطعی خواهد بود یا نه . بنظر بنده خیر این عمل قطعی نیست فقط این اجازه به هیئت وزراء داده میشود که در عمل در صورتیکه تصادف کرد و دید در تقسیمات باید يك تغییراتی داده شود آن تغییرات را در عمل بدهد و پس از آنکه تمام شد و در ضمن عمل و آزمایش نواقص آن رفع شد آنوقت بنده تصور میکنم که باید وزارت داخله ثانیاً لایحه به مجلس شورای ملی تقدیم بکند که برای همیشه تصویب شود و قانون باشد .

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده تصور میکنم با اصلاحی که در ماده شده و ترتیبی که ماده نوشته شده است رفع این اشکالات میشود برای این که در تبصره ۲ مینویسد: وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنرا تغییر دهد . بنده تصور میکنم که در این جا اجازه بوزارت داخله میدهد که در يك مدت معینی با تصویب هیئت وزراء ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنرا تغییر دهد بنده بایستی اختیار بوزارت داخله داد که در يك مدت معینی آن تشکیلات جدیدی بکند در نظر دارند بدهند (تشکیلات مرکزی وزارت داخله که مربوط باین نیست) تشکیلات ولایات که تماس با قانون اساسی پیدا میکند و تعیین حدود را همینطور که در این تبصره قید شده وزارت داخله بدهد فقط در این تبصره قید کنیم که پس از تعیین حدود لایحه تقدیم مجلس شورای ملی بکند و پس از تصویب مجلس شورای ملی صورت قانونی پیدا کند و با این اصلاح در این تبصره این اشکال رفع میشود (وزیر داخله دارد ایضا در تبصره ۱) در تبصره ۱ میگوید وزارت داخله ولایات را با رعایت عده سکنه و مساحت و وضعیت طبیعی به بخش‌هایی تقسیم و بعداً عده قطعی بخش‌ها را برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند ولی در تبصره ۲ این رعایت نشده فقط نوشته است با پیشنهاد وزارت داخله و تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنرا میتواند تغییر بدهد اگر در این تبصره هم آن قیدی که در تبصره اول شده است بشود رفع این اشکالات را میکند .

رئیس - آقای حیدری

حیدری - بنده خیال میکنم اینکه در قانون اساسی نوشته شده است مربوط بوقتی است که بخوانند حدود مملکت را با يك دولت خارجی تغییر بدهند ولی اگر دولت بخواند تغییراتی در داخله بدهد و حدود ولایات را تغییر بدهد اشکالی نداشته باشد .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اولاً به آقای حیدری عرض میکنم که بنده

اصل متمم قانون اساسی را می خوانم تا مطلب روشن شود اصل ۳ متمم قانون اساسی میگوید «حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون» پس این مربوط باینکه بایک دولت خارجی بخواهند حدودی را تغییر بدهند نیست - این راجع به این قسمت است. اما اینکه آقای اعتبار فرمودند که این اجازه خودش بیک طوری است که نمیشود فقط با اجازه که به هیئت وزراء داده میشود قانونیت داشته باشد این وکالت در توکیل است که قانون اساسی بشما این اجازه را نداده است که بدیگری اجازه بدهید که بروند حدود را تعیین کنند این وکالت در توکیل است که ما این اجازه را نداریم ولی اگر اجازه اینطور باشد که بعد از آنکه وزارت داخله حدود و تقسیمات بخش ها و نواحی را قطعاً تعیین کرد بیاورد بمجلس و مجلس رای بدهد بنده با این موافق بنده خواستم آقای وزیر داخله هم این بیان را بفرمایند که برای مجلس شورای ملی هم این فکر بیاید که ما این رای را که داده ایم باقانون اساسی مخالف نیست. آقای وزیر داخله توضیح بفرمایند که ما میرویم تقسیمات را میکنیم و بعد از آنکه تقسیماتمان را کردیم آنوقت می آوریم بمجلس شورای ملی و ما هم رای میدهیم و سمت قانونیت پیدا میکند نظریه بنده اینست و خیلی هم از آقای اعتبار ممنون شدم که آنمطلوب بنده را ایشان بیان کردند.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده تصور میکنم نکته ای که آقای اعتبار فرمودند دولت متوجه این نکته شده است در قانون اساسی میگوید حدود مملکت و ایالات و ولایات قابل تغییر نیست مگر بحکم قانون الان این همان قانونی است که در قانون اساسی پیش بینی کرده که قابل تغییر نیست مگر بحکم قانون. این همان قانون است که حالا آمده است و حدود مملکت را تعیین کرده است اما اشکال آقای عراقی در موضوع دیگری است که آقای اعتبار تشریح کردند در تبصره مینویسد هیئت دولت میتواند همین حدودی را که امروز مجلس شورای ملی تعیین میکند تغییر دهد این

تبصره در واقع اختیاری است به هیئت دولت که بتواند در حدودی که امروز در مجلس تصویب میشود اگر صلاح دانست تغییر دهد و همانطور که فرمودند وکالت در توکیل غیر است اما بنظر بنده این تبصره بیک این راجع است میکند تبصره بیک میگوید این حدودی که معین کردند باید بتصویب مجلس هم برسانند این درست مثل اختیارات کمیسیون عدلیه میشود که هر قانونی که تصویب کنند اجرا میشود تا پس از آزمایش به مجلس بیاورند این را هم در تبصره بیک میگوید که تغییرات را بیاورند بمجلس حالا بنده بیک پیشنهادی میکنم که تبصره ها را جابجا کنیم و تبصره بیک را دوبکنیم و تبصره دو را بیک. اما بنده بیک تذکر دیگری میخواستم بدهم که آقایان باصل ۸۳ قانون اساسی رجوع نکرده اند میگوید در کرسی هر ایالتی بیک محکمه استیناف تشکیل میشود این را چکار میکنید؟ بنده عقیده ام این است که اگر صلاح بدانند آقای وزیر داخله هم ناحیه را همان ایالت بگذارند که باین اشکال هم برنخوریم

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - فرمایشی را که آقای مؤید احمدی فرمودند تصور میکنم خودشان تصدیق میکنند که ایراد بنده وارد است فرمودند با جابجا کردن این دو تبصره رفع اشکال میشود ولی بنده تصور میکنم نمیشود برای اینکه این تبصره دو بیک اجازه ایست برای همیشه تبصره بیک این است که بخشها را از نظر جغرافیائی و نظرهای دیگر تقسیماتی بکنند و صحبت در سر تغییر حدود نیست اما تبصره دو راجع به تغییر حدود در آتیه است که هر وقت وزارت داخله بخواهد بیک تغییراتی بدهد در حدود آن تقسیمات بموجب همین قانونی که امروز تصویب شده با تصویب هیئت وزراء ممکن است و این مطابق با قانون اساسی نیست و اینکه آقای عراقی تذکر دادند که قانون اساسی میگوید قابل تغییر نیست مگر بحکم قانون البته امروز بموجب قانون تغییر می دهند فراهم باز بخواهند تغییر بدهند بموجب قانون باید باشد عرض کردم این تغییر امروز بموجب قانون است اما این اختیار را دادن به

هیئت وزراء یا وزارت داخله این را نمیشود قانون گفت و تصویب هیئت وزراء را نمی شود قانون تلقی بکنند و بعقیده بنده این ایراد وارد است و باین توضیح آقای مؤید احمدی یعنی با عوض کردن جای این دو تبصره رفع اشکال نخواهد شد

وزیر داخله - اولاً بنده تصور نمی کردم این سویمتفاهم پیش بیاید که ما بیک کاری بکنیم که تطبیق با قانون اساسی نداشته باشد و یا بخواهیم در حدود مملکت تغییراتی بدهیم نظر ما این بوده است که عیناً ما میخواهیم برای تشکیلات مملکتی بیک قانونی داشته باشیم و مملکت را بیک تقسیماتی بکنیم که بیشتر رفع جوائج ضروری فعلی ما را بیکند ولی البته میدانید که وضع فعلی را تغییر دادن و بیک وضع جدیدی را جای آن قرار دادن هر قدر هم که ما سوابقی داشته باشیم و مجرب باشیم باز ممکن است در عمل بیک نواقصی پیش بیاید که ما امروز متوجه آن نباشیم بنابراین این آقایان تصدیق دارند که بایست ما این اجازه را داشته باشیم و بایستی دستمان باز باشد و مطابق تقسیمات کشور تشکیلاتی قائل بشویم و البته پس از آنکه ما توانستیم مطالعات و بازرسی های خودمان را بیک زمینه قطعی برسانیم آنوقت تقدیم مجلس شورای ملی هم خواهد شد و بتصویب مجلس هم خواهد رسید بنا بر این بنظر بنده تفاوتی نمیکند بیکن است در تبصره ۲ همین ماده هم این عبارت گذاشته شود که بعداً بمجلس تقدیم شود اما راجع بآن مطلبی که فرمودید که در قانون اساسی نوشته در مرکز هر بیک از ایالات بیک محکمه استینافی تشکیل میشود عرض کنم که ما توجه به لغات نباید داشته باشیم مخصوصاً که لغت خودمان هم نباشد واجبی باشد مقصود قانون اساسی لغت ایالت یا ولایت نبوده است مقصود بیک چیز کلی است که بقالب این لغت در آمده است ممکن است این لغت را اصلاً برداریم و بیک لغت دیگری جایش بگذاریم چنانکه فرهنگستان همین نظر را دارد و تصور نمیکم این امر هم برخلاف قانون اساسی باشد.

رئیس - آقای زوار

زوار - عیناً چون وقت گذشته است تذکراتی را که بنده راجع باین قانون داشتم بیعده موکول میکنم ولی بیک چیزی اینجا هست در ناحیه شمال شرق که مشهد قوچان سبزوار تربت حیدریه قانات فردوس نوشته شده ولی بکشمر از قلم افتاده است (عراقی - دهات را اسم نبرده اند) بکشمر سیه مقابل عراق است برای اینکه عراق سیالی ۲۴ هزار عدل رینه نمیدهد ۱۲ هزار عدل خشکیار نمیدهد فقط آقای عراقی است و بس که بنده بایشان ارادت دارم بکشمر اگر به نقشه مراجعه بفرمائید یکی از ولایات مهم خراسان است که میخواهم عرض کنم از تربت هم بالاتر است و یکی از مهم ترین مراکز تجارت خراسان است اگر باحصائیه کمر کی و احصائیه وزارت مالیه ملاحظه فرمائید تصدیق بخواهید فرمود که در حق بکشمر کم لطفی شده او را جزء حکام نشین که حساب نکرده اند هیچ چیزه نایب الحکومه ای هم حساب نکرده اند پس از قلم افتاده لذا از آقای وزیر داخله خواهش می کنم توجهی بفرمایند که بکشمر که بیک ولایت مهم خراسان را تشکیل میدهد از قلم نیفتد و اگر در عداد فرض بفرمائید چنانرا بگذارند که یکی از بلوک کوچک است تصور میکنم از انصاف دور است

رئیس - در کلیات صحبت شد و با آن اصلاحی که آقای وزیر داخله کردند اشکال رفع شد اگر اجازه می فرمائید رأی گرفته شود (صحیح است) رأی میگیریم. ورود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

تقسیمات کشور و وظایف حکام و نایب الحکومه ها ماده ۱ - کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه بخش ناحیه و پنجاه ولایت تقسیم میشود هر ناحیه مرکب از چند ولایت و هر ولایت مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از چند بلوک و هر بلوک مرکب از چند قصبه و ده خواهد بود.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - بنده راجع بعبارت ماده يك تذکری داشتم که اگر مقتضی باشد در نظر بگیرند و آن کلمه ناحیه و بخش است بنده بطوریکه در نظر دارم از طرف فرهنگستان کلمه بخش بجای ناحیه معمول شده است ولی در این ماده ناحیه و بخش دو معنای مغایر دارد یعنی مثل هم نیستند این است که بنده عقیده دارم باینجا کلمه ناحیه يك کلمه دیگری استعمال کنند و یا کلمه بخش را تبدیل بکلمه دیگری بکنند.

مخبر - آقای وزیر داخله توضیح دادند که این لغات برای شور دوم از طرف فرهنگستان اصلاح میشود.

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - در ماده يك نوشته شده است کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه بخش ناحیه و پنجاه ولایت تقسیم میشود و اسامی يك نقاطی را نوشته است ولی يك نقاط عمده که جزء کشور ایران است از قلم افتاده است بنا بر این لازم است که این ماده اصلاح شود. کشور ایران عبارت از این پنجاه نقطه نیست بلکه بیشتر از اینهاست و باید تغییر داده شود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده تصور میکنم که هیئت وزراء و وزارت داخله و همه آقایان اطراف این لایحه را مطالعه کرده اند اسامی ممکن است از این لایحه افتاده باشد شاید برای بعضی از آنها عجالاً اهمیتی قائل نشده اند مثلاً در عراق ما يك دهی و يك بلوکی ذکر نشده باشد و چون دولت در اطراف این لایحه مطالعات کرده است در این قسمت ها چندان صحبت خوب نیست.

مخبر - خصوصاً آقای وزیر داخله از آقایان تقاضا فرمودند که هر اشتباهی که شده است و هر اسمی که افتاده است یاد آوری بفرمایند در شور دوم اصلاح میشود.

رئیس - آقای زوار

زوار - مقصود بنده هم این بود که يك تذکراتی داده

رئیس - ماده دوم قرائت میشود

ماده ۲ - نواحی کشور و ولایات تابعه آنها عبارتند از :

۱ - ناحیه شمال غرب که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - خوی

۲ - رضائیه

۳ - مهاباد

۴ - تبریز

۵ - اردبیل

۶ - مراغه

۲ - ناحیه غرب که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - کردستان

۲ - گروس

۳ - کرمانشاهان

۴ - باوند پور

۵ - پشت کوه

۶ - لرستان

۷ - بروجرд

۸ - همدان

۹ - ملایر

۱۰ - خرمشهر

۱۱ - خوزستان

۱۲ - کوه کیلویه

۳ - ناحیه شمال که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - کیلان

۲ - تنکابن

۳ - مازندران

۴ - گرگان

۵ - طهران

۶ - قزوین

۷ - قم و ساوه

۸ - کاشان

۹ - اصفهان

۱۰ - عراق

۱۱ - گلپایگان و محلات

۱۲ - خسنه

۱۳ - بجنورد

۱۴ - سمنان و دامغان

۱۵ - شاهرود

۴ - ناحیه جنوب که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - یزد

۲ - آباده

۳ - شیراز

۴ - اصطهبانات

۵ - جهرم

۶ - لنکه و لارستان

۷ - بوشهر

۸ - عباسی

۹ - کرمان

۱۰ - جیرفت

۵ - ناحیه شمال شرق که تشکیل میشود از ولایات :

۱ - مشهد

۲ - قوچان

۳ - سبزوار

۴ - تربت حیدریه

۵ - قائنات

۶ - فردوس

ناحیه شش - مکران

تبصره ۱ - وزارت داخله ولایات را بارعایت عده سکنه، مساحت و وضعیات طبیعی به بخشهایی تقسیم و بعداً عده قطعی بخش ها را برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند

تبصره ۲ - وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آن را تغییر دهد

شود و الا هیچ مخالفتی با لایحه نداشتیم که آقای عراقی فرمودند دولت در اطرافش مطالعات کرده است شاید مقصودشان این بود که حرف زده نشود آنوقت خود آقای در اطراف آن این همه مذاکرات فرمودند اینجا آقای اوحدی هم تذکر دادند که شاید بعضی ولایات افتاده باشد باید ذکر شود

جمعی از نمایندگان - نیفتاده است

وزیر داخله - خاطر آقایان نمایندگان مستحضر است که ضمیمه این لایحه و قانون يك نقشه تقدیم شد و ما قصد تغییرش را هم نداریم و چیزی هم حذف نشده است البته در کشور ایران اگر حساب کنیم شاید سه چهار هزار بلوک و قصبات و جزایر باشد و دهات خیلی مفصلی که در حدود چهل و هفت هشت هزار شاید باشد البته بنده نمیتوانم يك قاموس بسیار بزرگی دارای چهل و هفت هشت هزار لغت بیاوریم اینجا که چیزی نیفتاده باشد ولی البته چیزی کسر نشده و تمام پیش بینی شده است

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - با توضیحاتی که آقای وزیر داخله دادند بنده هم يك عبارتی را اضافه میکنم که کشور ایران البته با يك نقشه معین است و آن نقشه را هم که همه آقایان آشنا هستند و میدانند و بعلاوه در اطاق کمیسیون است آقایان البته ملاحظه فرموده اند اگر چنانچه آقایان انتظار این را دارند که تمام قصبات و بلوک و دهات و تمام این ها ذکر بشود عملی نیست البته باید کاری کرد که عملی بشود بنده خیال میکنم وزارت داخله صرفاً از نظر حکومت ها و نواحی که تشکیل شده و ولایاتی که در آن نواحی است اسامی را ذکر کرده و البته نمیشود تمام دهات را اسم ببرند و گمان نمیکند که اشکالی داشته باشد.

رئیس - آقای طالش

طالش - اینجا نوشته است کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه بهشش ناحیه و پنجاه ولایت تقسیم میشود در صورتی که باید بنویسد و به پنجاه ولایت تقسیم می شود.

رئیس - آقای طباطبائی

رئیس - بنده در تبصره ۲ نظری دارم موقعی که صحبت میشد اجازه خواستم نویخت به بنده نرسید بنظر بنده در تبصره ۲ که مینویسد وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنها را تغییر دهد اگر مراد اینست بکه وزارت داخله با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات داخلی یا مراکز آنها را تغییر دهد و بعد از تغییر از مجلس شورای ملی اجازه بخواهد و با تصویب مجلس باشد که این اجازه را همیشه دولت دارد و بموجب اصل سوم قانون اساسی که قرائت کردند این اجازه برای دولت همیشه هست و اگر مقصود اینست که وزارت داخله با تصویب هیئت وزراء حدود و تقسیمات داخلی ایالات و ولایات را تغییر بدهد و بمجلس پیشنهاد نکند و بموقع عمل و اجرا بگذارد این لازم است درش دقت بشود و اگر نظر اول است که اصلاً تبصره لزومی ندارد.

[۵ - معرفی آقای محمد علی مجد بسمت معاونت وزارت صناعت]

رئیس - چند نفر از آقایان خواسته اند صحبت بکنند آقای وزیر صناعت هم فرمایشی دارند وزیر صناعت (آقای فرخ) - آقای محمد علی مجد را به معاونت وزارت صناعت به مجلس شورای ملی معرفی می کنم .

[۶ - بقیه شور اول خبر کمیسیون داخله]

راجع بتقسیمات کشور تا ماده ۱۴]

رئیس - آقای کاشف

کاشف - عرض کنم اگر يك قدری توجه بشود بمفاد این تبصره ها : موضوع تبصره ۱ تعیین بخشها است که بعداً بتصویب مجلس شورای ملی خواهد رسید و موضوع تبصره ۲ راجع به تغییر حدود است و این دو تا است البته در تبصره اول اشکالی نیست ولی اشکال در تبصره ۲ بود که تغییراتی که در حدود داده میشود و آزمایشی که وزارت داخله خواهد کرد مثلاً لازم میشود يك قصبه

حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مراکز آنها را تعیین دهد .

رئیس - به کمیسیون رجوع می شود . ماده سوم قرائت میشود .

ماده ۳ - هر ناحیه در تحت ادوازه یک نفر با اولیای کل قرار داده می شود که در حدود مقررات این قانون بحکام حوزه مأموریت خود دستور و تعلیمات میدهد و با وزارت داخله رابطه مستقیم دارد .

تبصره - بازرس ها دارای مرکز ثابت نبوده در کلیه امور ولایات تابعه بازرسی کرده و مسئول حسن جریان امور آنها هستند .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده در این ماده اشکالی که داشتم اینست که میگوید بازرس ها مرکز ثابتی نخواهند داشت بنظر بنده این در قانون ذکرش لازم نیست البته بازرس دو اختیار وزارت داخله است و هر جا هم که تعیین کنند او باید برود - اصول را باید در قانون نوشت و این فروع را هر وقت وزارت داخله می خواهد می تواند تغییر بدهد .

مخبر - آقای وزیر داخله می خواستند تمام جزئیات را که لازم است به مجلس آورده باشند ولی حالا اجازه با خودشان است هر کدام را لازم است ذکر بکنید .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده در این ماده يك توضیحی از آقای وزیر داخله می خواستم . می نویسد هر ناحیه در تحت اداره يك نفر بازرس کل قرار داده میشود که در حدود مقررات این قانون بحکام حوزه مأموریت خود دستور و تعلیمات میدهد و با وزارت داخله رابطه مستقیم دارد مراد از این بازرس بنا بر آنچه آقای اعتبار فرمودند و آقای مخبر جواب دادند نمیشود گفت که همان والی است و اگر بازرس عبارت از مفتش است آنوقت این شش

ناحیه که ما داریم آیا هر ناحیه مستقیماً يك مسئولی دارد یا خیر مثلاً خراسان يك نفر مسئول مسئول دارد که في الواقع با حکمی که در ولایت هستند شرکت در مسئولیت ادوازه با اینکه مثل سابق همان بجهت قسمت است و تنها پیش وزارت داخله يك عنوانی دارد اینجور است یا اینکه يك نفر برای آن ناحیه میرود

وزیر داخله - البته از برای هر يك از این نواحی يك نفر بازرس اعزام خواهد شد و همانطوریکه عرض کردم اموری که در درجه اول اهمیت است یا بتوسط آنها برگز خراجت خواهد کرد یا خود حکام برگز مراجعه میکنند و اموری که دارای درجه دوم اهمیت است خودشان دستور میدهند مقصود این است که بوزارت داخله مرتب کاغذ های زیادی فرستند و البته آنها بتمام ولایات تابعه و قلمرو خود میروند و دفاتر حکام دفاتر آنها است و در آنها کار میکنند و بهمین جا میروند ولی تشکیلاتی که ضرورت داشته باشد برای آنها در يك شهر معینی باشد لزومی ندارد

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - از این ماده صراحة استنباط میشود که مقصود از بازرس همان لفظ مفتش کلی است که در ادارات و وزارتخانه های دیگر معمول و مرسوم بوده و حالا بملاحظه لفظ فرهنگستانی بازرس شده است اما بنده عرضی که دارم اینست که تبصره با تشکیلات وزارت داخله مخالفت دارد زیرا در تشکیلات برای بازرس مقام و مکان ثابت معین شده است ولی اینجا مینویسد که برای بازرس ها مقام ثابت نیست ولی بعقیده بنده اگر اینجا اینطور اصلاح شود که بازرس بعنوان سیار گفته شود نه بعنوان نداشتن مکان ثابت بهتر است .

رئیس - پیشنهاد کنید . پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم تبصره ماده ۳ حذف شود

پیشنهاد آقای شهردوست

چون در تقسیمات ناحیه ۵ از درجز و کلات و سرخس که سه ولایت میباشد اشغلی برده نشده بنده

یاد می یا يك بلوکی داخل در يك حدودی بشود یا از يك حدودی خارج بشود با آن جمله ای را که خود آقای وزیر داخله قبول فرمودند که اضافه شود باین تبصره بکه بعداً این تغییرات بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد و يك پیشنهادی هم در این زمینه شده است گمان میکنم رفع این اشکال میشود .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده عرض همین بود که گفته شد

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد آقای عراقی

تبصره ۲ را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم - وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنها را تغییر دهد و پس از آزمایش کامل و رفع نواقص تقسیمات قطعی را برای تصویب تقدیم مجلس نماید .

پیشنهاد آقای لاریجانی

بنده پیشنهاد مینمایم که تبصره ۲۱ يك تبصره تبدیل و بشرح زیر اصلاح شود .

تبصره - وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء حدود ولایات یا تقسیمات داخلی یا مرکز آنها را تغییر دهد و ولایات را با رعایت عده سکنه و مساحت و وضعیات طبیعی به بخش هایی تقسیم و بعداً تغییرات و عده قطعی بخش ها را برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید .

پیشنهاد آقای زوار

بنده پیشنهاد میکنم - کاشمیر را جزء یکی از ولایات خراسان بشمار بیاورند .

پیشنهاد آقای آزادی

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۲ ماده ۲ به ترتیب ذیل اصلاح شود .

تبصره ۲ - وزارت داخله اختیار دارد با تصویب هیئت وزراء و کمیسیون داخله مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم که این سه محل را باسم سه ولایت اسم ببرند
رئیس - ماده چهارم قرائت میشود
 ماده ۴ - هر ولایت را یک نفر حاکم و هر بخش را یک نفر
 نایب الحکومه و هر بلوک را یک بلوک بان و یک یا چند ده
 را یک کد خدا اداره خواهد نمود
رئیس - آقای افشار

افشار - بنده منظورم این کلمه بلوک بان است بطوریکه
 آقایانی که در ولایات تشریف داشته اند مستحضرنند این
 مأمورین جزء هر قدر عده شان زیاد تر بشود برای
 مردم بیشتر اسباب اشکال و زحمت است خاصه اینکه
 در این قانون برای آنها هیچ وظیفه و عملیاتی معین نشده
 است مثلاً حاکم یا نایب الحکومه وظایفی دارند که
 مطابق قانون باید انجام دهند کد خدا هم یک وظایفی
 دارد که در امور جزئی باید انجام بدهد ولی بلوک بان
 هیچ وظیفه ندارد و از طرف دیگر اگر مقایسه کنیم با تقسیمات
 و تشکیلات خارجه عیناً تناسب دارد در فرانسه دپارتمان
 دارند ما ولایت داریم یک پرفه اداره میکند آرنجیسمان
 دارند ما بخش داریم کانتن در خارجه هیچ مفهوم خارجی
 ندارد یک شخصیت قضائی دارد که از نقطه نظر وزارت
 داخله هیچ عنوانی ندارد بلوک بان وجودش جز ضرر برای
 دولت و یک تحمیلی برای رعایا نتیجه دیگری ندارد بنده
 استدعا می کنم از آقای وزیر داخله این بلوک بان را
 در اینجا نگذارند و کما فی السابق جریانات در تحت نظر
 والی و حاکم و نایب الحکومه انجام شود و اگر در آتیه
 احتیاجی به بلوک بان پیدا شد البته آنوقت تشکیل خواهند
 داد ولی بنظر بنده با این کمی مأمور و عدم اطلاع مأمورین
 مخصوصاً مأمورین جزء ضرر این قانون بیشتر از نفعش
 خواهد بود این است که بنده پیشنهاد کرده ام کلمه بلوک
 بان را حذف کنند

مخبر - تصدیق بفرمائید آقای افشار که این اطلاعات

شما در حدود اطلاعات محلی است والا ما در کیلوات
 بلوک بان داریم و لازم است که همه جا باشد و در اداره
 امور بلوک دخالت کند وظایفش هم در ماده بیست و سه
 معین شده
افشار - مزار بلوک بان را خودتان در کمیسیون تشریح
 کردید

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مقصود بنده این است که این بلوک
 بان ها یک مأمورین رسمی باشند که در بودجه حقوقی برای
 آنها در نظر بگیرند و در محل تماسی با مردم و اینها پیدا
 نکنند حالا نمی دانم همینطور در نظر دارند یا خیر. بنظر
 بنده اگر بشود از دیپلمه های دیرستان فلاح و دانشکده
 فلاح فرستاده شود که یک کمکهای هم بفلاح شود
 بسیار نظر خوبی است و همانطور که در لایحه عمران
 آمده است البته هم مالکین و ساکنین هر عمل استفاده
 میکنند هم وزارت داخله می تواند یک کمی بعمران کشور
 کرده باشد و اگر بودجه نداشته باشند و اینها یک اشخاصی
 باشند که بموجب یک احکامی معین شوند مثل بعضی از
 نایب الحکومه های ولایات که هنوز هم حقوق ندارند و جودشان
 مفید که نیست مضر هم هست و هیچ لازم نیست باشد بنده خواستم
 یک توضیحی آقای وزیر داخله بدهند که قضیه روشن شود
وزیر داخله - موضوع اینکه بلوک بان لازم است یا
 لازم نیست آقای افشار علت عدم لزومش را اینطور ذکر
 نمودند که یک اشخاصی هستند که ممکن است بروند یک
 تحمیلاتی ب مردم بکنند و اشخاص بدی هستند و به مردم
 صدمه می زنند ولی این دلیل بر این نیست که نباید اصلاً
 وجود داشته باشد باید اشخاصی را که صلاحیت داشته
 باشند پیدا کرد و راجع باین قسمت هم ممکن است بودجه
 داشته باشند یا نداشته باشند ما که در اطراف قانون بودجه
 فعلا صحبت نمی کنیم مادر اطراف تشکیلات فعلا صحبت می کنیم
 و جهات اصلی را در نظر داریم وزارت داخله تشکیلات جدیدش را

اینطور در نظر گرفته است و اگر لازم نبود از اول این لایحه را
 اینطور تنظیم نمی کردیم البته مطابق همین قانون تشکیلات
 خواهد داد

رئیس - یک پیشنهادی آقای افشار کرده اند

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده چهارم جمله « هر بلوک یک
 بلوک بان » حذف شود.

رئیس - ماده پنجم

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۵ - بازرس از بین مستخدمین رسمی دولت بموجب
 پیشنهاد وزارت داخله و فرمان همایونی منصوب میشود

رئیس - ماده ششم

(اینطور خوانده شد)

ماده ۶ - حاکم از بین مستخدمین رسمی دولت با پیشنهاد
 بازرس بوزارت داخله و فرمان همایونی منصوب میشود

تبصره - در صورت لزوم ممکن است اشخاصی که دارای
 سابقه خدمت رسمی نیستند بموجب تصویب نامه هیئت وزراء
 و فرمان همایونی بسمت بازرسی یا حاکم منصوب شوند.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - عرض کنم اول ماده پنجم مینویسد بازرس از
 از بین مستخدمین رسمی دولت بموجب پیشنهاد وزارت داخله
 و فرمان همایونی منصوب میشود و تبصره که ماده ششم دارد
 من خیال میکنم که ماده پنجم هم محتاج باین تبصره هست
 و الا در ماده پنجم قطعاً میگوید که باید مستخدم رسمی
 باشد ولی در ماده ششم میگوید مانعی ندارد بنده عقیده ام
 این است که در آنجا هم ممکن است از غیر مستخدمین هم
 معین شود و لذا گمان میکنم در آنجا هم یک چنین تبصره
 باشد بد نیست.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنظر بنده منظوری که آقای عراقی
 تذکر دادند در خود ماده تأمین شده زیرا تبصره شامل

هر دو ماده است میگوید مانعی ندارد که بازرس و حاکم از
 غیر مستخدمین رسمی معین شود ولی عرضی که بنده داشتم
 این است که بر طبق قانون استخدام که ما داریم اصلاً شرط نیست
 در ولات که سابقه خدمت داشته باشند سابقه خدمت در
 سفرای کبار و ولات شرط نیست در اینجا ماده پنجم
 که میگوید بازرس باید از مستخدمین رسمی باشد این شرط
 را مترزلزل کرده در صورتیکه لازم نیست اصلاً بنویسند
 اشخاصی را که میخواهند بسمت بازرسی معین کنند اگر جزء
 مستخدمین رسمی هستند که میتوانند انتخاب کنند اگر هم
 نیستند که از خارج انتخاب می کنند و لازم نیست که مستخدم
 رسمی باشد که قبل از سال ۹۹ استخدام شده باشد و حاکم
 راهم که خودتان در قانون استخدام نوشته اید که باید سابقه
 خدمت داشته باشد و اگر صلاح دانستند ممکن است بدون
 سابقه معین کنند بنظر بنده اگر این تبصره را حذف کنیم
 و آن دو قیدی را که نوشته در ماده پنج و شش که بازرس و
 حاکم باید از بین مستخدمین رسمی معین شود حذف شود
 عیبی ندارد حاکم و والی راهمین حال هم که هست میتوانند از بین
 مستخدمین رسمی و غیر مستخدمین رسمی معین کنند. بازرس هم
 فرق نمیکند عین همان والی است منتهی اسمش عوض شده است
 حاکم هم همانطور یک اشخاص تحصیل کرده را ممکن است
 وزارت داخله در نظر داشته باشد و بیاورند و سابقه خدمت هم
 نداشته باشند لذا حذف تبصره ماده هم بنظر بنده عیبی ندارد
 و ماده را ساده تر بکنیم بهتر است.

مخبر - منظور وزارت داخله هم همین است که مقید نباشد
 بازرس و حاکم راهم بتوانند از بین مستخدمین رسمی مملکت
 معین کنند هم از اشخاص خارج

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - بنده چون با اساس و کلیات این لایحه موافقت
 کردم دیگر موقعیت ندارد عرض کنم در قانون موسوم به
 تقسیمات کشور و وظایف حکام جای تشکیلات و انتخاب
 نیست چون موافقت کردم این عرض را نمیکنم فقط عرضی

را که میکنم این است که ماده سه بر گردد بجای ماده پنج و ماده ۴ بجای او که اوله بازرش انتخاب شود بعد بگوئید وظایف بازرش چیست چون دو ماده ۳ وظایف بازرش را معین کرده اند آنوقت طایفه در ماده پنج و شش طرز انتخابش رامعین میکنند

مخبر - آقا گویا درست ماده ۳ را قرائت نفرمودید ماده ۳ وظایفی ندارد آقا اشتباه فرموده اند.

رئیس - آقای طباطبائی
محمد طباطبائی - بنده هم عرض همین بود که آقارا متوجه کنم منظور از ماده ۳ تقسیمات اداری است نه وظایف بازرشها
رئیس - ماده هفتم:

ماده ۷ - نایب الحکومه ازین مستخدمین رسمی دولت به پیشنهاد حاکم و موافقت بازرش و حکم وزارت داخله منصوب میشود
رئیس - ماده هشتم:

ماده ۸ - بلوک بان ازین ساکنین بخش به پیشنهاد نایب الحکومه و حکم حاکم تعیین میشود
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - این نکته که بنده میخواهم عرض کنم يك نکته اساسی است و آقای وزیر داخله را تذکر میدهم که يك توجه و مطالعه بیشتری فرمائید الان ما يك بلوکاتی داریم در کشور و يك نایب الحکومه هائی هستند در آنجا که آن بلوکات را اداره میکنند ولی معلوم میشود این بلوکبان غیر از آن نایب الحکومه ها است و از مردم همان محل انتخاب میشود و بنظر بنده این قضیه خیلی دقیق است و ممکن است ایجاد زحمت بکند برای مردم البته میرود روی هائی مثبت و دسته بندیها و در دهات و قصبات عبارت خواهد شد از اینکه همان خوانین و مالکین محل بنایب الحکومه ها مراجعه کنند که انتخاب شوند و تصور میکنم این اسباب زحمت فراهم خواهد کرد باضافه معلوم نیست باینها تقریری خواهند داد یا غیر مثل

بعضی نایب الحکومه ها باید با اهالی دهات و قصبات تحصیل بکنند. بنده يك پیشنهادی هم در این باب تهیه کرده ام که تقدیم میکنم در شور دوم هم توجه میدهم آقای وزیر داخله را که در این قسمت يك توجه بیشتری بفرمایند که این مشکلات را حتی امکان رفع بفرمایند

رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - بنده هم در تعقیب بیانات آقای اعتبار میخواستم جلب نظر آقای وزیر داخله را بکنم که این يك مسئله حساسی است يك قدری باید بیشتر توجه بشود که همانطوریکه برای مشورت در کار های مربوطه بوزارت داخله وجود این بلوک بان مفید است از نقطه نظر فلاح و زراعت هم باید منافی داشته باشد بنده میخواهم عرض کنم که اگر بلوکبانرا برداریم و يك اشخاصی که تحصیلات فلاحی هم داشته باشند در نظر بگیریم و بفرستیم بولایات که هم نایب الحکومه باشند و هم بلوکبان بهتر است تا اینکه يك اشخاصی را بنام بلوک بان از محل تعیین کنند و اینها اطلاعات و معلومات نداشته باشند ما امروز که همه چیزمان رو بترقی و تکامل است باید سعی کنیم مسئله زراعت و فلاح هم يك ترفی محسوسی حاصل کند و بادست اشخاص تحصیل کرده و کسانی که با وضعیت امروزه آشنا هستند بتوانیم يك تغییراتی در فلاح بدهیم و بنده از موقع استفاده میکنم که از آقای وزیر داخله استدعا کنم این قضیه را يك قدری بیشتر مورد وقت قرار بدهند يك نایب الحکومه هائی که دارای تحصیلات و اطلاعات فلاحی باشند بیشتر بهره ببرند و الا همه مان با لایحه موافق هستیم و تقدیر میکنیم از آقای وزیر داخله که با يك وقت کمی موفق شده این لایحه را تهیه و تقدیم مجلس نمایند منتھی در عمل ما يك نظریاتی داریم و يك مشکلاتی مأمورین جزء حوزه فراهم میکنند که زحمت بزرگی تولید میکند

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:
بنده پیشنهاد میکنم ماده ۸ بشرح ذیل اصلاح شود:

بلوک بان از مستخدمین دولت به پیشنهاد نایب الحکومه و حکم حاکم تعیین میشود. آزادی.

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۸ حذف شود
رئیس - ماده تهم قرائت میشود:

ماده ۹ - کد خدا ازین ساکنین دائمی ده یا دهات بمعرفی مالک و به پیشنهاد نایب الحکومه و حکم حاکم تعیین می گردد

تبصره - هرگاه کد خدا از انتظامات امور زراعتی فرو گذار نماید بتقاضای مالک یا مالکین منعزل میشود
رئیس - آقای میرزائی

میرزائی - بنده میخواهم عرض کنم با اینکه بلوک بان بر طبق این قانون موضوع پیدا میکند دیگر کد خدا معنی ندارد یعنی همان وظایفی را که از کد خدا میخواهند آن وظایف را بلوک بان عمل میکند بعقیده بنده یا بلوک بان باید باشد یا کد خدا اگر منظور از کد خدا دخالت او در امور زراعتی است خوب مالک یا مالکین در امور زراعتی هر کس را میخواهند معین میکنند که امور زراعتیشان انجام بگیرد و الا اگر قرار باشد ما يك اختیاراتی بدهیم بکد خدا که در امور زراعتی دخالت کند بعقیده بنده اختلال پیدا میشود و آنطوری که باید برای زراعت پیشرفت داشته باشد نمیتواند همان بلوک بان را ذکر کنید که ازین ساکنین بخش پیشنهاد نایب الحکومه و حکم حاکم معین میشود کد خدا هم ازین ساکنین دائمی ده یا دهات به معرفت مالک و به پیشنهاد نایب الحکومه و حکم حاکم معین می گردد در هر حال با بودن بلوک بان کد خدا موضوع ندارد و اگر هم کد خدا را آقای وزیر صلاح بدانند بلوک بان مورد ندارد

مخبر - گویا آقا از نظرشان محو شده است که برای کد خدایان يك قانونی چندی قبل از مجلس گذشت این همان کد خداست که وزارت داخله هم ذکر کرده است در این لایحه.

رئیس - پیشنهاد آقای معدل قرائت میشود
پیشنهاد میکنم ماده ۹ بصورت ذیل اصلاح شود

ماده ۹ - کد خدا ازین ساکنین دائمی ده بمعرفی مهتر شریک ده به حکم نایب الحکومه تعیین میشود

تبصره ۱ - مالکین میتوانند انجام امور فلاحی خود را به يك نفر مراجعه نموده و برای کارهای عمومی و انتظامی ده به شرح بالا يك نفر دیگر را به سمت کد خدائی معرفت کنند

تبصره ۲ - هر مرتبه که مالک تغییر کد خدا را تقاضا نمود نایب الحکومه موافقت مینماید ولی مالک مکلف است بجای آن فوراً دیگری را معرفت کند

رئیس - ماده دهم قرائت میشود:
ماده ۱۰ - حکام در حدود قوانین دارای وظایف ذیل هستند که در تحت نظر و مطابق دستور بازرش کل وظایف محوله را انجام مینمایند.

- ۱ - حفظ سیاست عمومی دولت در حوزه مأموریت خود و مراقبت در بهبودی اوضاع اجتماعی محل.
 - ۲ - جدیت در پیشرفت امور فلاح و عمران و وادار کردن اهالی و ملاکین با اجرای برنامه فلاحی که از طرف اداره کل فلاح داده میشود.
 - ۳ - مراقبت در پیشرفت امور اقتصادی و صناعت محل
 - ۴ - مراقبت و جدیت در اجرای مقررات بازرسی بهداشت نباتات و حیوانات و سایر مسائل مربوطه به پیشرفت فلاح
 - ۵ - مراقبت در توسعه تربیت بدنی و پیشرفت امور معارفی و تربیت اکابر
 - ۶ - مراقبت و نظارت در امور بهداری و بهداشت.
 - ۷ - نظارت در امور شهرداریها
 - ۸ - انجام انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی
 - ۹ - انجام امر انتخابات شهرداریها و اطاقهای تجارت.
 - ۱۰ - ریاست شورای اداری ولایتی
 - ۱۱ - ریاست مجلس سرباز گیری
 - ۱۲ - ریاست کمیسیون مالیات بر در آمد
 - ۱۳ - کلیه امور دیگر که مطابق قوانین بعهده حکومت واگذار میشود
- رئیس** - پیشنهاد آقای معدل قرائت میشود

ریاست محترم مجلس
پیشنهاد میکنم اصلاحات ذیل در ماده ۱۰ بعمل آید
۲- جدید در پیشرفت امور فلاحی و عمران و وادار
اگر هیئت اهالی و ملاکین آبادی املاک و اراضی برنامه فلاحی که
از طرف اداره کل فلاحت داده میشود
۱۴- مراقبت و جدیدت در ازدیاد آب و تهیه موجبات آبیاری
و موقعتکاری حوزه کلاهی
۲۵- نظارت بر شورای فلاحی که از وجوه مالکین حوزه
ولایتی در مرکز حکومت (مطابق نظامنامه ~~حک~~ وزارت
داخله و اداره کل فلاحت تنظیم می نمایند) تشکیل میشود.
وظایف شورای فلاحت ولایتی
الف - بررسی و مذاقه و تهیه پروژه ساختمان راه های
فرعی بلوکات
ب - شور در اطراف آبیاری و حل مشکلات آن
ج - اهتمام در توسعه تشکیلات بهداری و معارفی دهات
حوزه ولایتی
د - نظر دادن ب اداره فلاحت و اولیای دولت در بهبودی
لواضح فلاحت و ازدیاد کشت انواع محصولات مغینده و نرخ
آنها و تقسیم بین مالک و رعیت و سایر اصلاحات عمومی
فلاحی حوزه ولایتی
۵- اهتمام در تأسیس شرکت های فلاحی و بهره برداری
رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود.
ماده ۱۱- حاکم نماینده دولت و ریاست عالی بکلیه
ادارات کشوری ولایت دارد و برای انجام وظایف قانونی
آنها کمک های لازمه خواهد نمود و رؤسای ادارات ولایت
نیز مکلف هستند در حدود قوانین تذکرات قانونی حاکم
را رعایت نمایند و در مسائلی که با سیاست عمومی دولت
و امنیت محل و کارهای سرحدی تماس دارد حاکم رادر جریان
بگذارند حاکم هر نوع اصلاحی را که از لحاظ حسن اداره
لازم بداند به بازرس پیشنهاد خواهد کرد و میتواند نسبت
به رؤسای ادارات قلمرو مأموریت خود اظهار نظر نماید

حاکم در تمام این موارد گزارش اقداماتی که نموده است
برای بازرس خواهد فرستاد
رئیس - ماده دوازدهم:
ماده ۱۲- حاکم قوانین و مقررات عمومی رادر هر ولایت
ب اطلاع اهالی خواهد رسانید. وزارت خانه ها و ادارات
مستقل دولتی نیز يك نسخه از دستور ها و بخش نامه هائی
را که در موضوعات کلی و اساسی بدو اثر تابعه خود در ولایت
صادر می نمایند برای بازرس کل خواهند فرستاد که توسط
مشار الیه بحاکم ابلاغ شود
رئیس - ماده سیزدهم:
ماده ۱۳- حاکم قوانین و مقررات را در قسمت مربوط
بدو ابر تابعه خود مستقلاً اجرا میکند و مسئول اجرای آنهاست
در دوایر و ادارات دیگر ولایت نیز بدون اینکه مستقیماً
مداخله نماید که موجب اختلال در امور ادارات بشود نظارت
دارد که قوانین و مقررات کلاً اجرا شده مأمورین دولت از
حدود وظایف و اختیارات خود تجاوز ننمایند
رئیس - ماده چهاردهم:
ماده ۱۴- حاکم میتواند در قلمرو مأموریت خود بشکایات
مردم واری کند و اگر ملاحظه نماید که قوانین و مقررات
در يك مورد بموقع اجرا گذارده نشده یا یکی از مأمورین
کشوری قلمرو مأموریت او از حدود اختیارات خود
تجاوز نموده است در آن باب واری نماید حاکم نتیجه
واری را به بازرس کل گزارش خواهد داد.
رئیس - آقای اوحدی
اوحدی - از مواد قبل اینطور استنباط شد که بازرس کل
ناظر عملیات حاکم است و در اینجا اختیار داده شد بحکومت
که هر کس شکایت از سایر ادارات دولتی داشته باشد حاکم حق
رسیدگی دارد بنده بتجربه در این سنواتی که در خدمتگذاری
دولت بوده ام ملتفت این قسمت شده ام که اگر حکام يك چنین
اختیاری پیدا کنند که بتوانند قبول شکایت از افراد بکنند
و با رؤسای ادارات طرف شوند این اسباب زحمت خواهد
شد برای دولت بنده عقیده ام این است که بهمان اختیار

بخشدار که در جلوه قبل بحکام داده شد بهمان اکتفا شود
رئیس - آقای اوحدی يك فرمایشی فرمودند که بنده
مخبر میکنم آقایان اکثر آبر مخالف آن عقیده دارند و بنده
نخودم هم از اشخاصی هستم که برخلاف ایشان نظر دارم.
رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - بنظر بنده این ماده یکی از مواد مهم این قانون
است که امیدواری میدهد در لایحه و ولایات بلزرها و
حکام بتوانند از مشکلاتی که هر روز مأمورین کوچک و سایر
ادارات تولید میکنند جلوگیری کنند و بنده تصور میکنم
آقای اوحدی شاید توجهی بوضعیت سابق و این جریانات
و وظایف بازرها نداشته اند خلا انشاء الله بایند اگر در این
وظیفه بازرها منظور می که تمام آقایان هازند انجام میدهند
و همینطور هم البته کارهائی که راجع باسایش عمومی و کارهای
عمومی است دخالت میکنند.
رئیس - ماده پانزدهم
ماده ۱۵- مأمورین شهربانی و امنیه مکلف هستند حوادث
و اتفاقات محلی را بحاکم اطلاع داده و دستورات قانونی
اورا بموقع اجرا گذارند.
رئیس - ماده شانزدهم:
ماده ۱۶- حاکم مکلف است اقلاً سالی دو نوبت به
قلمرو مأموریت خود سرکشی نموده و اگر سوء جریانی
در کارها باشد رفع و گزارش اقدامات خود را بوزارت
داخله بفرستد بعلاوه در هر موقع که در قسمتی از ولایت
کار عام المنفعه مهمی در جریان باشد از قبیل ساختن راهها و تأسیس
کارخانه و ساختن سد و امور فلاحی مهم حاکم باید مرتباً سرکشی
نموده مراقبت نماید که در حدود مقررات امور پیشرفت
نماید و اگر بی ترتیبی هائی ملاحظه نماید مکلف است به
بازرس کل و ادارات مربوطه گزارش نماید.
رئیس - آقای طباطبائی
محمّد طباطبائی - این ماده هم بعقیده بنده یکی از مواد
برجسته است و البته خیلی لازم است فقط بنده نظری که
داشتیم این بود که کلمه مهم بعد از جمله (ساختن سد و امور

فلاحی) حذف لغو نموده و در آن عبارت از قبیل ساختن
راهها و تأسیس کارخانه و ساختن سد میباید حذف
ذکر نشده است مثلاً نوشته اند راهها فقط در امور
فلاحی میسوزند امروز فلاحی مهم امر فلاحی هم که سر لوحه
آمال و آرزوهای ملی و دولت است ولی با نظریکه دولت
در توسعه امور فلاحی و پیشرفت آن دارد این لفظ اگر
اینجا باشد منظور را تأمین نخواهد کرد بعلاوه تصور می
کنم بهانه و مفری خواهد بود برای مأمورین که اگر واقلاً
يك مأموری نخواست در امور فلاحی مساعدت نکند می
گوید بنظر من مهم نبود در صورتیکه از وظایف اولیه
حکام یکی این است که در امور فلاحی رسیدگی و مساعدت
بکنند.
رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - در این ماده ۱۶ بنظر بنده تهاوت و تناقضی در عبارت
هست دو اولی ماده میگوید حاکم مکلف است اقلاً سالی
دو نوبت به قلمرو مأموریت خود سرکشی نموده و اگر
سوء جریان در کارها باشد رفع و گزارش اقدامات خود
را بوزارت داخله بفرستد بعد از سرکشی میسوزند که اگر بی
ترتیبی هائی ملاحظه نماید مکلف است بازرس کل و ادارات
مربوطه گزارش نماید بنده اصولاً طرفدار این هستم که
حاکم دارای این اختیار باشد که هر چیزی که بنظرش مهم
میآید حالا اهمیت و فوریت هم از نظر حاکم و وزارت داخله
ممکن است فرق کند يك مطلبی را ممکن است حاکم مهم
بداند و بایستی بوزارت داخله اطلاع بدهد ولی بازرس آن
را مهم نداند و گزارش ندهد بنده اصولاً دارای این فکرم
که حاکم هر موضوعی را که بازرس باید اطلاع بدهد و مکلف
است که اطلاع بدهد این اختیار را داشته باشد که وزارت
داخله را هم آگاه کند اینجا بنظر بنده ماده بد تنظیم شده یا
اینکه منظور دیگری دارند که بنده متوجه نیستم اول به
حاکم اختیار داده شده است که اگر سوء جریانی در کار
دید بوزارت داخله راپرت بدهد و در آخرش می نویسد
اگر بی ترتیبی یا اشکالی پیش آمد این اختیار را داشته

باشند که بیاورند و کلیه اوراق آن را در محله محل جمع کنند این را به هیئت بنده خوب است قدری توضیح بفرمائید که مطلب روشن شود.

[۷- تقدیم لایحه اصول محاکمات حقوقی از طرف آقای وزیر عدلیه]

رئیس - آقای وزیر عدلیه

وزیر عدلیه - خاطر آقایان مسبق است که قانون اصول محاکمات حقوقی که یکی از قوانین مهم و اساس عدلیه است در این چند ساله اخیر یک قسمت مهمش بشکل آزمایش بوده و یک قسمت دیگرش بشکل قوانین فرعی از قبیل قانون تسریع محاکمات و قانون اعسار و این قبیل قوانین متفرق بود. تعدد قوانین و بلا تکلیفی قانون آزمایش بیش از این مقتضی نبود مدتی است این موضوع در وزارت عدلیه تحت مطالعه بود و متخصصین دقت کردند و این قوانین مختلف را با اصطلاح روی هم ریخته و نو کردند و یک لایحه جدیدی تهیه شده است در ۷۲۳ ماده مشتمل بر تمام آنچه که مربوط بقانون اصول محاکمات حقوقی است. حالا البته مقتضی نیست که بنده وارد بحث این قانون بشوم و توضیح عرض کنم در موقعی که در کمیسیون مطرح خواهد شد و بمجلس خواهد آمد توجه خواهند فرمود که چه اصلاحات مهم و چه مقررات جدیدی که سابقه نداشته است در این لایحه پیش بینی شده است ولی مختصری لازم میدانم اینجا تذکر بدهم که ذهن آقایان متوجه کلیات این لایحه جدید بشود. در درجه اول در این قانون سعی شده است که عبارات خیلی صاف و صریح و روشن تنظیم شود که اشکالاتی که بیشتر در محاکمات پیش می آید و بعضی عبارات دو پهلو و از روی سلیقه یک رویه های مختلفی ایجاد مینمود آنچه قوه داشتیم حتی الامکان اصلاح کردیم و بقیه هم در کمیسیون محترم با مساعدت آقایان این تقیصه رفع خواهد شد اما نسبت به قسمت کلیاتی که مربوط با اصلاحات جدید و مقرراتی است که سابقه نداشته است چند فقره اش را من باب تذکر عرض میکنم:

یکی اینکه سعی شده است در این قانون وسایل تسریع و

تسهیل الحاقی ملحوظ فرمائید چون اینجا پیش بینی کردیم که در بعضی موارد فوری بشود عرض حال را تلگرافاً داد همینطور در بعضی موارد برای اینکه تا اقامه دعوی بشود در امری ممکن است خقی فوت بشود از قبیل اینکه قبل از اقامه دعوی بشود مدعی به را تأمین کرد مواردی را پیش بینی کردیم و اگر همینطور یک دینی که هنوز موقع مطالبه اش نرسیده است ولی مدیون عملیاتی بکند که پس از آنکه کار در عدلیه تمام بشود دائن دسترسی نداشته باشد این موضوع را پیش بینی کردیم که جلوگیری کنند.

موضوع دیگری که خیلی اهمیت دارد این است که در زندگانی اجتماعی یک پیش آمد هائی میکند برای هر کسی که اگر بجرایان عادی برود و چرخ عدلیه هم هر قدر تند باشد نمیشود آن وضع را حفظ کرد بطوریکه خسارت قابل جبران باشد من باب مثال فرض بفرمائید که اگر رعایا در موقع آبیاری در موقعی که محصول در خطر است اگر ۲۴ ساعت تأخیر در آبیاری شود یا مثلاً در سر یک بند یک نهری اختلاف دارند و اگر بجرایان عادی بخواهیم بگذاریم وقتی به نتیجه میرسد و حکم قطعی عدلیه صادر خواهد شد که دو محصول دیگر هم بر داشته اند این است که در این قانون اصول محاکمات جدیدی باسم اصول محاکمات فوری پیشنهاد میشود که با این قوانین عدلیه خواهد توانست در یک مواردی در همان روز در ظرف چند ساعت فاصله آن کار را رسیدگی بکند و حتی عرض حال شفاهی ممکن است پذیرفته شود و تکلیف کار را بطور موقت معین کند تا تکلیف قطعی بعد معلوم شود و هم چنین از تشبثاتی که برای بطوء جرایان محاکمه بعضی اشخاص می کنند از قبیل اینکه اشخاص خط و مهر خودشان را انکار می کنند یا نسبت جعل میدهند بعد که ثابت شود این انکار و نسبت جعل برای طرفه بوده است برای این قبیل اشخاص هم جرایمی در این قانون معین شده است و تمام این مقررات برای این بوده است که حتی المقدور هم تأمین حق بشود تسریع (البته صرف تسریع ممکن است خطر داشته باشد) خواستیم این دو نظر را جمع کنیم

که تأمین حق و تسریع هر دو قسمت را در این قانون جدید رعایت کرده باشیم

رئیس - بکمیسیون رجوع میشود.

[۸ - بقیه شور اول لایحه تقسیمات کشور از

ماده ۱۷]

رئیس - ماده ۱۷ قرائت میشود

(بترتیب زیر خوانده شد)

ماده ۱۷ - حاکم میتواند در امور فلاحتی با مشورت اداره مربوطه و اوضاع اجتماعی ولایت و هم چنین برای حفظ اموال عمومی و آثار ملی در صورت اقتضا در حدود قوانین مقررات انتظامی وضع نماید و ادارات ولایت مکلف هستند از نظامات حاکم که در حدود قوانین وضع شده باشد تبعیت نمایند حاکم در هر مورد فوراً باید بازرسی کل را مستحضر بدارد

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - بنده پیشنهادی تقدیم کرده بودم در ماده ۱۶ و خوانده نشد اما در ماده ۱۷ در این عبارت سطر اول مینویسد: حاکم میتواند در امور فلاحتی با مشورت اداره مربوطه و اوضاع اجتماعی ولایت و هم چنین برای حفظ اموال عمومی و آثار ملی در صورت اقتضا در حدود قوانین مقررات انتظامی وضع نماید تصور میکنم عبارت نائص است و باید نوشته شود با مشورت اداره مربوطه برای اوضاع اجتماعی. و بعلاوه بعد از عبارت (در صورت اقتضا در حدود) قید شود (با اطلاع باز رس کل) چون حاکم نظر یا اش باید مطابق نظریه باز رس کل باشد و در اینجا قید شده است که باید حاکم نظر باز رس کل را جلب کند و پیشنهادی هم تقدیم میکنم

رئیس - پیشنهاد کرده اید

طباطبائی - بعد تقدیم میکنم

رئیس - ماده ۱۸

(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۸ - شورای اداری ولایتی تحت ریاست حاکم تشکیل و مرکب خواهد بود از معاون حکومتی و رؤسای ادارات ولایت. وظیفه شورای مزبور تهیه وسایل بهبودی

امور فلاحتی و آبادی و عمران ولایت و بهداشت آن و بطور کلی مساعدت با حاکم است در انجام وظایفی که قانون به عهده او محول داشته شوری هر ماه لا اقل یک مرتبه اجلاس مرتب خواهد داشت و به علاوه هر وقت سوانح و اتفاقاتی در ولایت بطور فوق العاده اتفاق افتد حاکم در صورتی که لازم بداند شور را دعوت خواهد کرد و در هر مورد رأی شورا را بیاز رس بلا فاصله گزارش خواهد داد جزئیات و وظائف شورا را وزارت داخله بموجب نظامنامه تعیین خواهد نمود

رئیس - آقای افشار

افشار - مطابق این ماده شورائی در ولایات تشکیل میشود که وظیفه آن شورا در نظر گرفتن آبادی و عمران ولایات و مخصوصاً بهبودی امور فلاحتی است و چون در اول ماده بهبودی امور فلاحتی و آبادی و عمران ولایات نوشته شده و اصل منظور هم ترقیات وضعیت فلاحتی است بنظر بنده با این طرز تشکیل این منظور حاصل نخواهد شد زیرا رؤسای ادارات از قبیل رئیس معارف رئیس نظمی یا رئیس تلگراف اند و این اشخاص اطلاع از امور فلاحتی ندارند از روی تجربه عرض میکنم در شهر خودمان یک همچو کمیسیونی بود و بررسی میکردند باشکالات فلاحتی و زراعتی و تمام احکامی که صادر کرده بودند برای مالکین و زارعین یا خلاف قانون بود و یا بر خلاف مصالح عمران و آبادی مملکت این مسئله هم مسلم است که رئیس معارف یا رئیس شهربانی و رئیس پست و تلگراف اطلاعات فلاحتی ندارند که بتوانند در امور فلاحتی اظهار عقیده کنند و ممکن است مختصری هم داشته باشند ولی بطور کلی ندارند بعقیده بنده این شورا آنوقت مفید خواهد بود که چند نفر از مطلعین عملی را ضمیمه شوری کنند که اولاً از نظریات آنها شوری استفاده کند و ثانیاً بوسیله همین آقایان بتوانند نظریات خودش را بین مردم توسعه بدهد و این منظور دولت انجام شود باین جهت بنده پیشنهاد میکنم و تقاضا دارم که آقای وزیر داخله هم موافقت بفرمائید که باین شوری چند نفر از مالکین و مطلعین عمل قرار داده شود

یکجا وجود آنها هم برای اجرای منظور دولت مفید باشد و هم برای اصلاح امور فلاحی و البته این ها بهتر خواهد بود از چند نفر مأمور که اطلاعات فلاحی نداشته باشند.

وزیر راه - اولاً استدعا می‌کنم از آقای امین که تمام قانون را ملاحظه فرمایند بعد مذاکرات فرمایند. در ماده ۲۱ در وظائف شورایی بخشها نوشته شده است که شوراهای تشکیل میشود از نایب‌الحکومه و رؤسای امور کشوری بخش علاوه بقدر لزوم از بین مالکین و زارعین محل بصورت انتخاب می‌شوند و در ذیل همین ماده نوشته شده است نایب‌الحکومه رأی شورا را در هر مورد با اطلاع حاکم و اداره کل فلاحت خواهد رسانید این شوری در تحت نظر خود حاکم تشکیل میشود و البته تصدیق می‌فرمائید که این شوراهاست که تشکیل میشود آنها هم نظریاتی برای بهبودی و عمران دارند پیشنهاد میدهند می‌رود پیش حاکم حاکم هم شورای ولایتی را تشکیل میدهد و سایر مأمورین دولتی هم زیاد بی اطلاع نیستند و از امور فلاحی قدری اطلاع دارند و البته دولت هم سعی میکند که مأمورینی انتخاب کند که بطوری که شیای می‌فرمائید بی اطلاع نباشند و حالا هم اینطور نیست که سرکار میفرمائید که فاقد هر گونه اطلاعات باشند تصور میکنم کارکنان دولت از امور مأموریت خودشان بی اطلاع باشند بالاخره پس از تشکیل شوری آن پیشنهادات مطرح و مورد شور واقع می‌شود بنا بر این نظریات مالکین و زارعین هم تأمین و رعایت می‌شود معذک که اگر در يك مواردی لازم باشد که اطلاعات اشخاص مخصوصی که يك اطلاعات کافی داشته باشند جلب شود حاکم نظریات آنها را جلب و آنها را دعوت برای شوری خواهد نمود که با بهبود آنها و بر طبق عقایدی که اظهار می‌شود يك تصمیم قطعی گرفته شود.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده اشکالی ندارم ولی در ماده ۲۱ اینطور می‌نویسد هر ولایت را یک نفر یا یک نفر نایب‌الحکومه و هر بلوک را یک نفر بلوک‌بان و يك یا

چند نفر را يك كدخداه اداره خواهد نمود در جلد اربعه معین شده اینجامینویسد شورای اداری فلاحی تحت ریاست حاکم تشکیل و مرکب خواهد بود از معاون حکومتی و رؤسای ادارات ولایت بنده گمان می‌کنم در ماده چهارم در شور ثانی معاون حکومت باید بیاید که بتواند تطبیق کند و معاون حکومت يك لفظ تازه ایست که تازه تولید شده و باید در آن ماده اصلاح شود که در این ماده بی سابقه نباشد.

مخیر - در اینجا بنده تصور میکنم اقا درست توجه فرمودند باینکه البته هر حاکمی معاون لازم دارد که در غیاب او بکارها رسیدگی میکند و محتاج نبود که در ماده ۴ معاون ذکر شود.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - معلوم میشود آقای مژده‌ای توجه بعراض بنده فرمودند من نگفتم که حاکم معاون نباید داشته باشد من میگویم این معاون يك مردی است رسمی در آن موقعی که رسمی‌ها را مینویسند اسم این را هم باید بنویسند در آنجا اسم معاون ذکر نشده و باید ذکر شود.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده عرض خیلی مختصر است و آن این است که اگر آقای وزیر داخله هم موافقت فرمایند حضور رئیس انجمن شهرداری هم در اینجا مفید است برای اینکه او يك اطلاعات خوبی از محل دارد و ممکن است کمک‌هایی بکند و گمان میکنم که اگر او را هم ضمیمه کنند ضرری نداشته باشد.

مخیر - پیشنهاد فرمائید.

رئیس - آقای شه دوست

شه دوست - بنده همین توضیحی را که حضرت آقای وزیر داخله فرمودند در ماده ۲۱ میخوانستم عرضی کنم که از مالکین و زارعین و مطلقین محل هم در شوری دعوت می‌شود.

رئیس - پیشنهادات خوانده میشود.

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای طباطبائی

پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۷ در آخر جمله (در حدود قوانین) اضافه شود: با تصویب بازرس کل.

پیشنهاد آقای افشار

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۸ پس از جمله (شورای اداری ولایتی تحت ریاست حاکم تشکیل و مرکب خواهد بود از معاونت حکومتی و رؤسای ادارات ولایت) علاوه شود و سه نفر از مالکین و مطلقین محل که از امور فلاحی اطلاع صحیح داشته باشند.

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد مینمایم در ماده ۱۸ رئیس انجمن شهرداری هم اضافه شود.

رئیس - ماده ۱۹

(بترتیب زیر خوانده شد)

ماده ۱۹ - بازرس کل موظف است در کلیه موارد از گزارشات حکام وزارت داخله و وزارت خانه ها و ادارات مستقلة را در قسمتی که مربوط بآنها است مستحضر نماید وزارت داخله در امورات گلی و موارد مهمه و قوری بحکم دستور داده بازرس را مطلع خواهد نمود حکام نیز در موارد فوق گزارش اقدامات خود را مستقیماً برای وزارت داخله خواهند فرستاد و بازرس کل را از آن مستحضر خواهند داشت.

رئیس - ماده ۲۰

(اینطور خوانده شد)

ماده ۲۰ - کلیه وظایفی که بر عهده حکم محول است نایب‌الحکومه یا همکار و ظریف را در بخش مأموریت خود دلزاهستند علاوه مرجع مستقیم رسیدگی بکارهای بلوک بانها و کدخدایان بوده و در اعمال آنها نظارت خواهد داشت و گزارشات اقدامات آنها را برای حاکم خواهند فرستاد.

رئیس - پیشنهاد آقای مجدلی قرائت میشود:

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم اصلاح ذیل در ماده ۲۰ بعمل آید. کلیه وظایفی که بر عهده حکام محول است نایب‌الحکومه یا همان وظائف را در بخش مأموریت خود دارا هستند علاوه مرجع مستقیم رسیدگی بکارهای بلوک بانها و کدخدایان (در قسمت‌های عمومی و انتظامی فقط) بوده و در اعمال آنها نظارت خواهند داشت و گزارشات اقدامات آنها را برای حاکم خواهند فرستاد.

رئیس - ماده ۲۱

ماده ۲۱ - در هر بخش شورایی بخش تشکیل میشود از نایب‌الحکومه و رؤسای امور کشوری بخش علاوه بقدر لزوم از بین مالکین و زارعین محل بصورت انتخاب میشوند و وظایف شورای بخش بقول ذیل است

الف - بررسی در وضع هر يك از قرا و محله و اصلاح خرابی و وسائل عمران آنها و پیشنهاد وسایل مقتضی برای توسعه و پیشرفت عوائل.

ب - مراقبت در رفع احتیاجات بهداشتی و سایر احتیاجات عمومی قرا و واقعه در بخش.

ج - اهتمام در تأسیس شرکت‌های فلاحی و بهره برداری

د - راهنمایی و دادن تعلیمات فلاحی بملکین و رعایای محل.

ه - سایر وظایف شورایی بخش در نظامنامه که وزارت داخله تنظیم و تصویب هیئت وزیران خواهد رسید معین میشود.

نایب‌الحکومه رأی شورا را در هر مورد با اطلاع حاکم و اداره کل فلاحت خواهد رسانید.

رئیس - ماده ۲۲

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۲۲ - حکام و نایب‌الحکومه یا یک نفر را از بین ساکنین حوزه مأموریت خود بصورت بلوک بان معین و برای يك یا چند نفر از ساکنین دائمی ۵۵ را بصورت کدخدائی (مطابق ماده ۹) تعیین خواهند نمود.

تبصره - بلوک بان نماینده دولت و کدخدا نماینده دولت و مالکین میباشد.

رئیس - پیشنهاد آقای معبد

پیشنهاد میکنم ماده ۲۲ بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۲۲ - حکام و نایب الحکومه ها یکفررا ازین ساکنین حوزه مأموریت خود بسمت بلوک بان معین و برای یک یاچندده یکفررا ساکنین دائمی ده را بسمت کدخدائی تعیین خواهند نمود بشرح ماده ۶

تبصره ۱ - بلوک بان نماینده دولت و کدخدا در کار های عمومی وانتظامی نماینده دولت و در امور فلاحتی و اجتماعی نماینده مالکین میباشد.

تبصره ۲ - برای چند ده وقتی میشود یکفر کد خدا تعیین نمود که مالکین آن توافق نموده باشند.

رئیس - ماده ۲۳

(اینطور خوانده شد)

ماده ۲۳ - شرایط انتخاب بلوک بان و کد خدا ها و وظایف آنها را وزارت داخله بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید تعیین خواهد نمود

(پیشنهاد آقای وکیل بترتیب زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۲۳ به ترتیب ذیل تنظیم شود:

ماده ۲۳ - شرایط انتخاب بلوک بان و کدخداها ووظائف آنها را وزارت داخله بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء و کمیسیون داخله مجلس شورای ملی خواهد رسید خواهد بود.

رئیس - ماده ۲۴

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۲۴ - وزارت داخله مجاز است از تاریخ تصویب این قانون تا آخر سال ۱۳۱۶ هر يك از مستخدمین وزارت داخله و ادارات تابعه آنرا كه سنشان چهل و پنجسال یا بیشتر باشد متقاعد نماید حقوق تقاعد این اشخاص مطابق اصول و حساب معمولی بنسبت ایام خدمت (با هر قدر سابقه) پرداخته میشود برای تأمین حقوق

خواهند بود که در وسیله های اشخاص و منوالق آنها را اصلاح خواهند کنند هر کس را لایق ندیدند و دیدند بدرد کار نمیخورد آن را متقاعد کنند و ممکن است که يك اشخاصی هم باشند که ده روز از ۵۰ سال کمتر باشند و لایق هم نباشند این جا دست و بالشان بسته است جایز نیست بدهیتهای تهیه کرده ام و تقدیم میکنم و یکی هم راجع بحقوق تقاعد آنها است که در این ماده خیلی روشن نیست يك طوری آن را اصلاح کرده ام که وزارت داخله که آنها را متقاعد میکند آنها را با دارة تقاعد مراجعه دهد که حقوقشان در آنجا ثابت تر باشد این پیشنهاد را تقدیم میکنم

مخبر - پیشنهاد فرمائید در کمیسیون مذاکره خواهد شد

(پیشنهاد آقای اعتبار بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۴ را بشرح زیر پیشنهاد میکنم:

وزارت داخله مجاز است از تاریخ تصویب این قانون تا آخر سال ۱۳۱۶ هر يك از مستخدمین وزارت داخله و ادارات تابعه آنرا با هر قدر سابقه خدمت متقاعد نماید حقوق تقاعد این اشخاص مطابق اصول و حساب معمولی بنسبت ایام خدمت پرداخته میشود و برای تأمین حقوق آنها اعتبار لازم هر سال در بودجه وزارت داخله و ادارات تابعه آن منظور و بوسیله اداره تقاعد پرداخت میشود.

دخول ثانوی این اشخاص بخدمت دولت مطابق مقرراتی خواهد بود که در قانون استخدام کشوری برای ورود بخدمت دولت مقرر است.

(پیشنهاد آقای آزادی بترتیب آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۲۴ بشرح ذیل اصلاح شود:

وزارت داخله مجاز است از تاریخ تصویب این قانون تا آخر سال ۱۳۱۶ هر يك از مستخدمین وزارت داخله و ادارات تابعه آن را که سنشان ۵۰ سال یا بیشتر باشد و بواسطه عدم لیاقت یا جهاتی دیگر از عهده انجام وظائف بر نیایند متقاعد نمایند

رئیس - ماده ۲۵

(اینطور خوانده شد)

ماده ۲۵ - وزارت داخله برای اصلاحاتی که در تشکیلات فعلی خود لازم می دانند مجاز است مبلغ دویست و بیست و پنج هزارت مایه برصم و ام علاوه بر میزان بودجه مصوبه سال ۱۳۱۶ در ایام و نیز عمل اعتباریکه در بودجه سال ۱۳۱۷ آن وزارتخانه بتصویب خواهد رسید مسترد دارد.

تبصره - وزارت داخله مکلفست اعتبار اضافی مذکور را با اطلاع وزارت مالیه بنصرف برساند

رئیس - ماده ۲۶

ماده ۲۶ - قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور العمل حکام مصوب ۱۶ ففقهه ۱۳۲۵ قمری و کلیه قوانین دیگر در آن قسمت که مخالف با این قانون است نسخ میشود رئیس - بدو قمره پیشنهاد راجع بملاده ۲۶ رسیده است قرائت میشود.

(پیشنهاد آقای دکتر طاهری بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد میشود: در ماده ۲۴ سن تقاعد از ۵۰ به ۵۵ ترقی داده شود.

آخر ملاده هم از جمله دخول ثانوی این تا آخر ماده حذف شود.

(پیشنهاد آقای اوحدی بشرح زیر خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۴ بطریق ذیل اصلاح شود از تاریخ تصویب این قانون تا آخر سال ۱۳۱۶ وزارت داخله مجاز است که طبق قانون استخدام کشوری انتخاب و هر يك از مأمورین فعلی را که مناسب ادامه خدمت نداند آنها را متقاعد نماید.

رئیس - رأی گرفته میشود بورود شور دوم آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

[۹ - بیانات آقای رئیس در تعقیب اظهارات آقای صفوی] رئیس - بیاناتی که آقای صفوی کردند البته از روی غیرت ایرانیست و حس ایران دوستی که دارند صحیح بود ولی بنده خواستم يك تذکری اینجا داده باشم که در این سفر مختصری که کردم از ممالکی که عبور میکردم در همه جا از روی حقیقت اشخاص مهم و بلکه توده با حیثیت هر

مملکت نسبت به ایران يك عقاید خیلی خوب و يك تعظیماتی نسبت به شاهنشاه ماداشتند و حقیقه بنده نسبت باین مسئله بقدری اهمیت دادم و قیمت گذاشتم که به عرض خاکپای همایونی هم رساندم باید گفت این چیزهایی که در روزنامهها بعضی اوقات مینویسند اشخاص صاحب حیثیت آن ممالک خودشان هم از این نوشتجات متفرند خود آنها هم مکرر به بنده گفته اند اشخاصی که این قبیل حرفها را مینویسند بعضی را هیچ نمی شناسیم و بعضی ها را هم که بعداً پیدا میکنیم می بینیم اشخاص پستی هستند که ما خودمان هم از آنها اعراض داریم و از این قبیل بیانات و مقالات متفریم باید دانست که این اشخاص يك اشخاص ناچیز و پستی هستند و این عباراتی که مینویسند در پیش خود فرنگی ها هم هیچ قیمت ندارد و همین فرنگی هایی که به ایران می آیند و در اینجا هستند غالباً ایران را دوست میدارند و بیشتر با عشق و علاقه به ایران مراجعت می کنند و حتی خیلی از آنها مایل هستند که مجددآب ایران برگردند یکی از خانمهایی که از امریکا آمده بود که در آنجا مقام شوهرش هم خیلی عالی بود به بنده گفت که من در آنجا ناخوش شدم و از من پرسیدند که راه علاج تو چیست گفتم راه علاج من باین است که برگردم به ایران و يك دفعه دیگر ایران را بینم و حال من خوب میشود و خیلی از این قبیل اشخاص دیده میشود پس باید دانست اشخاصی که پاره مطالب

برخلاف حقیقت رامینویسند اشخاص پست و ناچیز هستند و همانطور که آقای وزیر داخله هم فرمودند توجهات بیشتری در این باب خواهند کرد که اگر يك نواقص جزئی هم باشد انشاء الله رفع شود (نمایندگان صحیح است)

[۱۰ - تصویب يك فقره مرخصی]

رئیس - يك گزارش از کمیسیون مرخصی رسیده است خوانده میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

آقای مؤید قوامی بواسطه کسالت ۲۳ روز از تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۱۶ از حضور در مجلس معذور بوده اند و تقاضای مرخصی نموده اند کمیسیون عرایض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک گزارش آنرا بعرض میرساند.

رئیس - آقای مؤید قوامی مدتی ناخوش بوده اند و حالا هم گویا هنوز کسالت دارند باین علت تقاضا کرده بودند. رأی میگیریم بمرخصی ایشان آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۱۱ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم. جلسه آتیہ روز یکشنبه دوم آبان ماه دستور لوايح موجوده

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری